هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۳۷ | چهار شنبه ۳ حوت ۱۳۸۴ | ۲۲ محرم الحرام ۱۴۲۶ — 22 February 2005

خاطرهٔ شهدای حماسهٔ سوم حوت ۱۳۵۸ گرامی باد

توهین به آفتاب!



سردار من پیمبر من پیشوای من
ای چشمهء حیات
ای افتاب حق
ای معنی کمال نموی درخت نور
در باغ کائنات
ای اوج آدمیت وای چرخ مردمی
ای رهبر بزرگ
ای قائد نجات
اینک بحیث خاک قدمهای اقدست
چون خاکروب درگهء پاک ومقدست
این بیت را زگلشن شعر سخنوری
اهدای بارگاه رفیع تو می کنم
تا پاسخی بود
برعوعو و نهیق رذیلانهء خصوم
بررسم های شوم
بردستهای درخور تبت یدای عصر
برمجرمان بولهبی سیرت حقیر
برحملهء صلیبی شیطانی وشرور

ص۴

رؤسا، معاونان و منشیان کمیسیون های شورای ملی انتخاب شدند

مجلس نمایندگان مردم هجده کمیسیون و مجلس سنا متشکل از شانزده کمیسیون می باشد

در هفتهٔ جاری رؤسا، معاونان و منشیان کمیسیون های دایمی شورای ملی کشور برگزیده شدند که اسمای آنان از این قرار است:

کمیسیون های مجلس نمایندگان مردم (ولسی جرگه):

استاد برهان الدین ربانی رئیس، سید محمد علی جاوید معاون و مولوی عبدالخبیر منشی کمیسیون امورتقنینی.

بیدار خاخي رئیس و یوسف غضنفر معاون کمیسیون مالی وبودجه، محاسبات عمومی واموربانک.

محمد داوود سلطان زوی رئیس، انجینیر عبدالمتین معاون و شکریه عیسی خیل منشی کمیسیون اقتصاد ملی سازمان های غیرحکومتی، انکشاف دهات، زراعت و مالداری.

استاد عبد رب الرسول سیاف رئیس، شاکر کارگر معاون و حوا علم نورستانی منشی کمیسیون امور بین المللی.

سید زلمی مجددی رئیس، خالد پشتون معاون و موسی هوتک منشی کمیسیون امور امنیت داخلی.

ابراهیم قاسمی رئیس، عالم ساعی معاون و فضل الرحمن څمکني منشی کمیسیون سمع شکایات.

علم گل کوچی رئیس، عبدالله سلیمان خیل معاون و پروین مومند منشی کمیسیون کوچی ها، قبایل، امور مهاجرین و بیجاشدگان.

خالد فاروقی رئیس، شریفه زرمتی معاون و فوزیه ناصریار منشی کمیسیون مواصلات و مخابرات امور انکشاف شهر، تهیهٔ مسکن، آب، برق و شاروالی.

صایمه خوگیانی رئیس، شاه گل رضایی معاون و قدریه ابراهیم یزدان پرست منشی کمیسیون زنان، جامعهٔ مدنی و حقوق بشر

شکریه پیکان احمدی رئیس، دلبر نظری معاون و عین الدین همدرد منشی کمیسیون معلولین و معیوبین و بازماندگان شهدا و بیوه ها.

فیض الله ذکی رئیس، شکیبا هاشمی معاون و شفیقه نوری منشی کمیسیون منابع طبیعی و محیط زیست.

دکتر شکیلا هاشمی رئیس، دکتر نوش آفرین معاون و صدیقه مبارز منشی کمیسیون صحت ، تربیت بدنی جوانان ، کاروکارگر.

سید حسین عالمی بلخی رئیس، مولوی گل احمد امیری معاون و مولوی شینواری منشی کمیسیون عدلی و قضایی ، اصلاحات اداری و مبارزه با فساد اداری. ص۶

قیام سوم حوت ۱۳۵۸ در شهر کابل

نتایج و پیام ها

ص۳

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی!



ص۲

پروژهٔ انتقال خط لولهٔ گاز ترکمنستان به هند نهایی شد

مقامات دولتی می گویند برنامهٔ انتقال خط لولهٔ گاز ترکمنستان به هند از مسیر افغانستان و پاکستان، نهایی شده است

میر محمد صدیق ایشان، وزیر معادن و صنایع کشور به خبرنگاران گفت: این برنامه در نهمین نشست سه جانبهٔ افغانستان، پاکستان و ترکمنستان مورد "بررسی های همه جانبه" قرار گرفته و روی جزییات کاری آن توافق شده است.

او گفت: "سرانجام موانع فنی و سیاسی از سر راه احداث این پروژه بر طرف شد و توافقنامهٔ آن نیز میان کشورهای دخیل به امضا رسید."

آقای ایشان افزود: قرار است ظرف دو سال آینده کار عملی انتقال خط لولهٔ گاز ترکمنستان به هند از راه افغانستان و پاکستان آغاز شود.

مقامات دولت در حالی از توافقات نهایی در مورد انتقال خط لولهٔ گاز به هند خبر می دهند که هنوز چالش های بزرگی این پروژه را تهدید می کند.

مشکل امنیتی در افغانستان از یک سو و تمایل کشور ایران به عبور خط لولهٔ گاز از مسیر این کشور به هند از سوی دیگر، می تواند به عنوان اصلی ترین چالش ها بر سر راه این پروژه مطرح شود.

در این حال، وزیر معادن و صنایع افغانستان می گوید: بانک انکشاف آسیایی بررسی هایی را در مورد معضل امنیتی در افغانستان انجام داده و به گزارش مسؤولان این بانک، نیاز است تا هزینهٔ بیشتری برای تأمین امنیت این پروژه اختصاص داده شود.

دومین چالش سر راه پروژهٔ خط لولهٔ گاز را آقای ایشان نیاز کشورها به این مادهٔ سوخت عنوان کرد.

آقای ایشان افزود: در نخستین مرحلهٔ آغاز به کار این پروژه در نظر است مسیر راه انتقال خط لولهٔ گاز تعیین شود و زمین های افرادی که این خط از آن می گذرد تحت استملاک دولت قرار گیرد.

این خط لولهٔ گاز مسیری به طول ۱۷۸۰ کیلومتر را در بر می گیرد که نزدیک به ۷۳۵ آن از مسیر افغانستان خواهد گذشت.

گفته می شود سود اقتصادی افغانستان از احداث این خط لوله سالانه در حدود ۴۰۰ میلیون دلار است، برعلاوه، این پروژه برای ۳۰۰۰ نفر زمینهٔ کار ایجاد خواهد کرد و در کنار آن افغانستان می تواند گاز مورد نیاز خود را نیز از این پروژه تأمین کند.

با آن که چند شرکت خصوصی تا حالا آمادگی خود را برای احداث این پروژه اعلام کرده اند اما مشخص نیست که این پروژه به کدام شرکت تعلق خواهد گرفت.

مقامات می گویند: ممکن است یک شرکت به تنهایی قادر به انجام این پروژه نباشد و با چند شرکت در این زمینه قرارداد عقد خواهد شد.

سفر کرزی به تخار برای مردم ایجاد مزاحمت کرد

حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان، در میان تدابیر شدید امنیتی به ولایت تخار سفر کرد. گفته شده است که قبل از سفر کرزی تمام جاده هایی که به شهر تالقان منتهی می شد مسدود گردیده بود و مردم حق نداشتند از خانه های خود بیرون شوند.

هدف آقای کرزی از این سفر، افتتاح عملیات بازسازی سرک تالقان در ولایت تخار به کشم در ولایت بدخشان بوده است.

آقای کرزی در مراسمی به همین مناسبت اظهار امیدواری کرد که جادهٔ تالقان - کشم تا مرزهای تاجیکستان و چین امتداد یابد و از این طریق تجارت و ارتباطات مردمی توسعه یابد.

جادهٔ تالقان - کشم ۶۸ کیلومتر طول و۷ متر عرض دارد وظرف ۱۸ ماه آینده با هزینهٔ ۲۵ میلیون دلار بازسازی خواهد شد.

بر اساس گزارش ها هزینهٔ بازسازی این سرک توسط بانک جهانی به صورت بلاعوض تأمین می شود.

آدرس
مجاهد
در اینترنت
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: mujahid1357@yahoo.com

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی!

وحید مژده



کرزی به لزوم برداشتن موانع ویزه و پاسپورت در مسافرت اتباع دو کشور به کشورهای یکدیگر اشاره کرد. در حالی که مشکل بزرگ در روابط میان دو کشور ورود تخریب کاران از مرز مشترک به افغانستان است

حامد کرزی در پنجمین سفر خویش به پاکستان بار دیگر مسأله‌ٔ مبارزه‌ٔ مشترک علیه تروریسم را با مقامات پاکستانی مطرح کرد. او قبل از سفر به پاکستان در این رابطه گفت که وی موضوع نفوذ خرابکاران از آن سوی مرز به افغانستان را در این سفر با مقامات پاکستانی در میان خواهد گذاشت و اضافه کرد که قصد دارد در پارلمان پاکستان سخنرانی نماید و مقامات پاکستانی در این مورد توافق نموده اند.

قصد کرزی از سخنرانی در پارلمان پاکستان، به زعم خودش روشن ساختن اذهان نمایندگان مردم پاکستان در مورد اوضاع در افغانستان بود. اما وی به جای سخنرانی در پارلمان به نشنل دیفنس کالج برده شد و در برابر افسران این کالج نظامی سخنرانی کرد. بدون تردید به کرزی در مورد مخالفت های موجود در نشنل اسامبلی (پارلمان) که می توانست روی روابط میان دو کشور تأثیر منفی داشته باشد تذکر داده شد ووی نیز روی این برنامه پافشاری نکرد و حتی در این مورد، مطلبی به شکل یک گله‌ٔ دوستانه نیز عنوان ننمود.

هفته ها قبل از سفر حامد کرزی به پاکستان، مطبوعات این کشور در مورد نقش افغانستان در ناآرامی های بلوچستان مطالب زیادی به نشر سپردند. گفته شد که یک کشور سومی از طریق خاک افغانستان در ناآرامی های بلوچستان نقش دارد که اشارهٔ واضح به کشور هندوستان بود.

هرچند کرزی در برابر این اتهامات خاموش باقی نماند و ضمن رد این اتهامات گفت که اجازه نخواهد داد تا از خاک افغانستان علیه کشور های دیگر استفاده‌ٔ سوء صورت گیرد و دوستی هیچ کشور با افغانستان نباید به معنی دشمنی با کشور دیگری تلقی گردد. اما مشخص بود که جانب پاکستان این سخنان را نپذیرفت؛ زیرا بعد از این سفر، آفتاب احمد خان شیرپاو وزیر داخله‌ٔ پاکستان بار دیگر به نقش افغانستان در آشوب های بلوچستان اشاره نمود و مدعی شد که از طریق افغانستان اسلحه به دست شورشیان بلوچ می رسد. قبیله‌ٔ بکتی با قیام در برابر دولت مرکزی، نه تنها جنگ چریکی به راه انداخته بلکه با ضربه زدن به صنایع گاز، این جنگ را بر عرصه‌ٔ اقتصادی نیز کشانده است.

وقتی کرزی مسأله‌ٔ ورود طالبان مسلح از طریق مرز با پاکستان را مطرح ساخت در برابر این پیشنهاد قرار گرفت که باید مرز های دو کشور با سیم خاردار از هم جدا شود. کرزی گفت که سیم خاردار مانع ورود تروریست ها به افغانستان نخواهد شد اما میان مردمان دو سوی مرز جدایی خواهد انداخت. وی گفت که چنین موانع باید میان دشمنان به وجود آید نه میان دوستان.

این پیشنهاد متقابل مقامات پاکستانی را می توان اشاره‌ٔ تلویحی به این مسأله دانست که کنترل مرز میان دوکشور از جانب پاکستان به صورت مؤثر ممکن نیست. کرزی نباید انتظار داشته باشد که بعد از این، ورود افراد مسلح از پاکستان به داخل افغانستان قطع خواهد شد.

هرچند آقای کرزی اجازه نیافت تا در پارلمان پاکستان سخن گوید اما مقامات پاکستانی این خواست او را پذیرفتند که برای اتحاف دعا به روح خان عبدالولی خان رهبر فقید حزب عوامی ملی پاکستان به چهارسده برود

کرزی در این سفر به مسأله‌ٔ دیگری نیز اشاره کرد که با توجه به موضوع اصلی سفر بسیار تعجب برانگیز بود. کرزی به لزوم برداشتن موانع ویزه و پاسپورت در مسافرت اتباع دو کشور به کشورهای یکدیگر اشاره کرد. در حالی که مشکل بزرگ در روابط میان دو کشور ورود تخریب کاران از مرز مشترک به افغانستان است.

قانون اساسی کشور بعضی از صلاحیت های رئیس جمهور را به مشوره با پارلمان مربوط دانسته است. پاکستانی ها این مسأله را به خوبی می دانند و به همین دلیل این سخن را جدی نگرفتند.

معمولا زمانی که سفررسمی رئیس جمهور کشوری به کشوری دیگر اعلام می شود، سفارت آن کشور در کشور متوقف فیها به صورت دقیق در مورد برنامه‌ٔ سفر با مقامات وزارت امور خارجه‌ٔ کشور طرف مقابل تفاهم می نماید. سفارت در مورد عکس العمل مطبوعات و احزاب سیاسی آن کشور در رابطه به وقایع مؤتر در روابط ذات البینی، به وزارت امور خارجه به صورت مفصل گزارش می دهد. این گزارش ها به صورت دقیق مورد مطالعه‌ٔ شخص رئیس جمهور قرار می گیرد. در این جا مشخص نیست که در مورد سفر آقای کرزی به پاکستان این کار صورت گرفته بود ویا این که ایشان چشم بسته و به امید این که خود (متکلم واحد) و دیگران (جمع مخاطب) اند، تن به این سفر داد.

هرچند آقای کرزی اجازه نیافت تا در پارلمان پاکستان سخن گوید اما مقامات پاکستانی این خواست او را پذیرفتند که برای اتحاف دعا به روح خان عبدالولی خان رهبر فقید حزب عوامی ملی پاکستان به چهارسده برود. کرزی به ولی باغ اقامت گاه خان فقید رفت و در آنجا ضمن تقدیر از خدمات وی گفت که خان عبدالولی خان رهبر همه‌ٔ پشتون ها بود.

در سایت اخبار رادیو بی بی سی در رابطه به سفر کرزی به پاکستان آمده بود که در کابینه‌ٔ افغانستان روی این مسأله نیز بحث صورت گرفته است که باید به همه پشتون های جهان تابعیت افغانستان داده شود. اگر یک پشتون، تبعه‌ٔ کشوری غیر از افغانستان باشد، می تواند تابعیت افغانستان را نیز داشته باشد. البته این مسأله در مطبوعات داخلی منعکس نشده است.

اگر این خبر نیز درست باشد می توان گفت که شاید رئیس جمهور در رابطه به ناامنی هایی که ریشه در پاکستان دارد، سیاست جدیدی را در پیش گرفته است. این بار دولت می خواهد درکنار دولت پاکستان، با پشتون های آن سوی دیورند نیز در تماس گردد.

حتما آقای کرزی گمان دارد که قوم گرایی و القای این باور که افغانستان خانه‌ٔ همه پشتون هاست ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل – چهار راهی زنبق ـ سابق هتل زنبق طلایی
صندوق پستی : ۲۲۶
شمارهٔ تماس:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahid1357@yahoo.com

د کب د درېیمې په یاد ناهید؛ د ښځمنې غورځنګ ملی بېلګه

عباسی

د هېواد په ویاړلو تاریخي ورځو کې یوه هم د کب درېیمه ده. د ۱۳۵۸ د حوت پر ۳ مه د کابل پتمنو، پر وطن مینو او باغیرته اوسیدونکیو په تش لاس د متوفی شوروی د یرغلګر پوخ او ګوډاګي رژیم په مقابل کې راپاڅیدل او د "الله اکبر" پر ناروېې ښکیلاك او د هغوی د ننني لاسپوڅي رسوا کړل. که څه هم له دې نیتې ترمخه د هېواد په ګوټ ګوټ کې پاڅونونه پیل شوی وو: خو د کابل پاخون دا وښودله چې د هېواد زړه د یرغلګرانو په مقابل کې له ځانګړی حساسیت نه برخمن دی او دا بلې پیاوړی روحیه وه، چې د ازادی د لاری ننګیالوته یې ور ډالی کړه.

ددی پاڅون بل اړخ، خو را د اهمیت وړ دی او هغه دا چې د ښځو ونډه په کې ځلانده برېښیده، چې باید په دې اړه رسنی، ډېر څه ولیکي په تیره بیا چې د ښځو د حقوقو د اعادې او په ټولنه کې د هغوی د لاړښود نقش د لوبولو لپاره د دې ورځې شهیدې خویندې ملي بېلګې کیدای شي.

یو ملت هله د مدنیت پړاوته ننوتی شي، چې خپل فرهنګ او تاریخي ویاړنې راوسپړی او هغه شخصیتونه (که ښځې وی یا نارینه) چې په ځانګړی زماني پړاوکې خلك له ناپوهی نه پوهی ته، له ښکیلاك نه ازادی ته او له اقتصادی زیېښاك نه "قسط او عدالت" ته او د بی ثباتی له حالته ثبات او استقرار ته راویستلی وي: نو نوی نسل ته د دغې شخصیتونو معرفی کول، او د اوسنیو شرایطو په پام کې نیولو سره د هغوی له فکری خطوطو لاروی کول د یوی اصیلی مبارزی ځانګړنه ده. ټولنه به مدنیت ته د رسیدو په بهیر کې د پردیو د بیلګو له اغیزې خوندې پاتي شي او مونږ به خپل اوسنی نسل له خپل تاریخی مبارزاتی بهیر سره نښلولی وي. د "ناهید" او د نورو خویندونو په یاد محفلونه جوړول، سرکونه، ښوونځی او فرهنګی مرکزونه د هغوی پر نومونو یادول، په تعلیمی نصاب کې د هغوی مطرح کول په حقیقت کې هغه ته درناوی او زمونږ د یاد شویو کړښو د اهدافو د تطبیق لپاره څه نا څه مقدمه کیدای شي.

دا سمه ده چې د حوت ۳ مه زمونږ د تاریخ برخه شوی ده، خو مونږ تاریخ د عبرت لپاره لولو او پر وحی او طبیعت سر بیره تاریخ د شناخت یوه سرچینه ده؛ نو ځکه باید دا ورځ د ښکیلاك پرضد د ښځو له نهضت سره په اړه په پرتمین ډول ولمانځل شي په تیره بیا چې د ښځو چارو وزارت په دې باب اغیزمن ګامونه اخیستلی شي، او دا مو په یاد وي، چې د غونډو جوړول باید یوازې تشریفاتی اړخ ونه لري؛ بلکې د سنجول شویو برنامو له مخې خیرنیزې مقالي په کې ولوستل شي چې غونډې نوی نسل ته د ژوند ساه پوکړي او سمه لاره او پر لاره سم تګ وروښیي.

د سیاست په نړی کې یوه مقوله ده، چې وایي:

" د آزادی تر ګټلو یې، ساتل خو را ستونزمن دی" او دا مونږ په خپل ټول وجود احساس کړه، چې پر مونږ څه وشول؟ وشول، هغه څه چې وشول او راباندې یې وکړل!!

خو اوس هم سرې وخت دی او له تیروتنو چې انسان هر وخت عبرت واخلي پر ګټه یې ده چې ځان جوړ کړي. نو د خدای په فضل او د هیوادوالو په هوښیاری او د نړیوالو دوستانو په ملاتړ دادی په هېواد کې چې د نظام بنسټونه کینبودل شول؛ راځی چې د زړه له کومې دا ټولی لاسته راوړنې ټینګې وساتو. یو بل ته د ربنتوني ورورۍ لاسونه ورکړو، چې زمونږ داخلی قوت تر دې ځایه ورسیږی، چې پردې راکې سوړی پیدا نه کړي، اوس چې مونږ د حوت د درېیمې د شهیدانو د وینو د قربانیو پور وړیو؛ نو له پوره به یې هله خلاص شو چې د هغو د مقدسو ارمانونو د پوره کولو لپاره له خپل اوسني نظام نه په هر اړخیزه توګه ملاتړ وکړو.

د ولسي او مشرانو جرګو غړي دې خپلو تاریخي او ملي مسئوولیتونو ته متوجه وي

عثماني

د بـن د پریکـړې لـه مخـې او د نړیوالـو پـه مرسـته او د هېوادوالـو د فعال ګډون لـه امله د سنبلې پر 26 مـه د ولسـي جـرګې تـاګنې ترسره شوې، چې دا هېوادوالـو او نړیوالو دواړوته یوه ستره بریاوه.

د نړیوالـو پـه لاسـنیوی او د نسبي خپلمنځي تفاهم لـه مخې دادی د نظـام اسکلټ جوړ شـوی دی او هېـواد یـو بـل حسـاس پړاوتـه ننوت، چې تـر لومړي ډېـر نـازك او د پـاڼ پـر سـر دی. پـه کمین کې ناست د ننني او بهرني دښمنـان پـه هڅـه کـې دي چې دا ټـولې لاس تـه راوړنـې پـر سینـد لاهـو کـړي؛ نـو ځکـه د هـر هېـوادوال وظیفـه ده، چـې لـه زړه نــه د نظـام جـوړوني بهیـر د بشـپړتیا پړاوتـه ورسـوي پـه تیـره بیـا د ولسـي او مشـرانو جرګـو دراتـه غـړي پـه دې اړه سـتر دینـي، ملي او تاریخي مسئوولیت لري.

د دواړو جرګـو کـار، زیـاتره تخصصـي بڼـه لـري، چـې مسـایل پـه کې په موشګافي او خورا دقت څېړل کیـږي، نـو ځکـه د چـارو دښـه سـرته رسولو لپاره دې پـه کمیسیونو کې د ورتیـا او کـار پوهـې لـه مخې غړي او یـا لـړ تر لـړه مشران یې وټاکـل شي، لـه هر ډول ژبنـي، سمتي، قومي، ډلـه ییـز او سـلیقوي دریځونـو دې ډډه وشـي، چـې اصـلاً د همـدغو څیزونـو پـر اسـاس موقـف نیـول د نظـام جـوړوني د دننـي دښمنـانو کـار ګټـل کیـږي او ډیـر خلـه داسـې هـم شـوي، چـې د بهرنیـو پـه پرتلـه د ننـیـو هېوادتـه ډیـر زیـان اړولـی دی او بهرنـي هـم لـه د ننیـو نـه د خپلـو هدفونو لپاره کار اخلي

تر هغـه چې مونږ پـه رښتیا سره یو بـل ونـه زغمـو او پـه ملي هینداره کې یـو بـل ونـه وینـو، نـو کـه څومره بهرنـی مرسـتې او ملاتـړ راسـره وي؛ نـو بـار بـه تـر منزلـه ونـه رسـوو، او دا متـل بـه پـه نظام جوړونـه کـې صدق ومـومي چې: "کوږ بار تر منزله نه رسیږي".

د جرګـو لـه هغـو غړیـو، چـې د هـوای نفـس، ځـانمنی، ژبنـی او... لـه مخـې مرئـي او نـا مرئـي فعالیتونـه کـوي پـه ټینګـه غـواړو، چـې وجـدان، د قیامـت د ورځـې حسـاب، د ولـس او د تـاریخ د قضـاوت پـه پـام کـې نیـو وسـره دې چـارې څېـړي او د ملـی ګټـو لـه مخـې دې دریـغ نیسـي او لـه دولت هـم دا طمـع ده، چـې د جرګـو د مقطعـي نیمګړتیاوونـه د ځـان پرګټـه کـار وانخلـي؛ بلکـې دواړه دې د یـوی قـیـچې د خواګـانو پـه څیـر کـار وکـړي، چـې نظـام مـو خپل مطلوب کمال ته ورسیږي.

قیام سوم حوت ۱۳۵۸ در شهر کابل

نتایج و پیام ها

عبدالعلی کوهی

شهر کابل، شب سوم حوت ۱۳۵۸ ماتم به پا کرده است. مردم به سوگ نشسته اند. صدای الله اکبر، مرگ بر شوروی و مزدوران آن از هر خانه و گذر غرب کابل، چنداول، افشار، دارالأمان، دهمزنگ و سایر نقاط به گوش می رسد. مردم شهر در هاله یی از بیم و اندیشه های دور و دراز فرو رفته اند. کمونیزم جنگی و حزب دموکراتیک، برای سرکوب مردم شهر کابل و سایر نقاط کشور آمادگی می گیرد. تعدادی از کشورهای جبههٔ اتحاد شوروی پیشین، کشور را اشغال نموده اند و حزب دموکراتیک شعارهای تازه یی چون مرگ بر امپریالیزم امریکا، حفیظ الله امین نمایندهٔ امریکاست و همین گونه شعارهای دیگری که در کشور

همه تنظیم های جهادی یک شعار را تکرار می نمودند و آن آزادی افغانستان و خروج بلا قید وشرط نیروهای بیگانه از کشور را تشکیل می داد

چندان پذیرش نداشت، از طریق رسانه ها و رادیوهای ملی پخش می شد و همهٔ جنایات گذشته را به دوش امین و باند جنایتکار او می انداختند و به این باور بودند که با از بین رفتن امین، دیگر مردم افغانستان از حزب دموکراتیک که خود را مرحلهٔ نوین انقلاب می خواند، اطاعت خواهند کرد.

سردمداران حزب دموکراتیک تاریخ و گذشته های کشور را کم تر درک می نمودند و ناشیانه و یا آگاهانه کشور را درکام اژدهای سرخ سپرده بودند. آزادی، استقلال و ارزش های دینی وملی یک سره در حال خاموش شدن بود. آنها فقط امپریالیزم می گفتند و قوت های اجنبی را عامل نجات کشور می خواندند و در برابر فیصله های شورای امنیت مبنی برخروج بی قید و شریط نیروهای اتحاد شوروی و متحدان آن با لجاجت برخورد می نمودند.

مردم شهر کابل تحمل خود را در برابر این اشغال از دست دادند تا این که احساسات آنها حالت انفجار را به خود گرفت و قیام سوم حوت ۱۳۵۸ شکل گرفت. مردم در غرب کابل در شب سوم حوت آن سال، از خانه های خود شعار الله اکبر را سر دادند. خوب به یاد دارم که با پرتاب نمودن فلاخن و سنگ چند سرباز نظام حاکم را در قشلهٔ سوارهٔ عقب دهمزنگ زخمی ساختند.

افراد منسوب به حزب دموکراتیک با سلاح های دست داشته به سوی خانه ها فیر می کردند و چندین تن را کشته و زخمی ساختند. این شعارها با مرمی استقبال گردید. به گونه یی که در انتفاضهٔ فلسطین در پاسخ به سنگ و چوب فلسطینیان با مرمی جواب می دهند این است منطق استکبار.

مردم غرب کابل، اهالی دهمزنگ، چنداول، افشار و دارالامان فردای سوم حوت به سوی شهر کابل یورش بردند. نویسندهٔ این سطور که تازه از زندان مخوف پلچرخی رهایی یافته بودم در دهمزنگ کابل سکونت داشتم در همان روز مردمان خشمگین شهر کابل با شعار مرگ بر شوروی و حزب دموکراتیک، توفان عظیمی را برپا کردند. افراد سازمان های اولیه غالباً جناح پرچم بالای مردم بی رحمانه شلیک می نمودند، در دیوارهای نزدیک مسجد پل خشتی مردم با خون خود نوشته بودند: مرگ بر شوروی، مرگ بر ببرک کارمل شاه شجاع دوم. ما شوروی را نمی خواهیم. در همان حال برای جوانان سازمان های اولیهٔ دانشگاه کابل و مکاتب سلاح توزیع گردید و نیروی تازه غرض سرکوبی مردم گماشته شد.

بعد از ظهر همان روز جاده ها از خون شهدا شست و شو گردید. بیشترین صدماتی که برای مردم رسید در نزدیک کتاب فروشی بیهقی بود که مشرف به تعمیر وزارت اطلاعات و فرهنگ می باشد. به گفتهٔ حزب دموکراتیک در این غرفه آثار شرقی به فروش می رسید که شامل ترجمه های پروگرس مرکز انتشارات اتحاد شوروی به زبان دری بود که عمدتاً سوانح لنین و نظریات رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی محتوای این آثار را تشکیل می داد. این مرکز به وسیلهٔ مردمان خشمگین به آتش کشیده شد و پیامد این آتش سوزی خیلی شدید بود که خشم حزب دموکراتیک را در قبال داشت، به گونه یی که افراد حزب دموکراتیک، مردمان خشمگین را عناصر عقب گرا و نمایندگان امپریالیزم خواندند.

بلند گوها از هر گوشه و کنار شهر آواز می داد که حالت اضطرار جریان دارد و اجتماع سه نفری در راه ممنوع قرار داده شد که سه نفر نمی توانست در راه با هم صحبت و حتی سرگوشی کنند. خوب به یاد دارم که در رستورانت روشن که در مقابل وزارت اطلاعات و فرهنگ قرار داشت و امروز به طلا فروشی تبدیل گردیده است، با تنی چند از دوستانم، اوضاع را نظاره می کردم که ناگهان پلیس مخفی همهٔ ما را دست بستند به جرم این که شما عناصر ضد انقلاب هستید و در توجیه ادعای شان می گفتند که شما چرا می خندیدید؟!

پلیس در تحقیقات همواره می پرسید که شما با هم چه می گفتید و از رفقای پرچم کی را می شناسید؟ هر کس نام یکی از پرچمی های سرشناس را به زبان می آورد تا برایش سپر بلا گردد. همهٔ ما را به زیر زمینی وزارت اطلاعات و فرهنگ بردند و سپس به وسیلهٔ یک جیپ روسی به تعمیر صدارت انتقال داده شدیم که در آن وقت مرکز تجمع استخبارات جهنمی پرچمی ها بود.

این جانب دو روز را در صدارت به سر بردم و دوستان دیگر مدت یک ماه و یا بیشتر از آن در صدارت زندانی شدند. در این حادثهٔ خونین تعدادی از مردمان شهر کابل به زندان ها افگنده شدند و تعدادی هم محکوم به اعدام گردیدند.

پس از این واقعه، مردم نسبت به نظامی که عامل همهٔ بدبختی ها، امپریالیزم امریکا را می دانست نه خود را. بی اعتماد شدند. شعارهای نان، خانه و لباس دیگر فروکش

این خون ها که در سوم حوت ریخته شد، پیام روشن داشت و آن ادامهٔ مقاومت تا خروج نیروهای خارجی و بازگشت ارزش های ملی و دینی در کشور بود که بر سر این عقیده، در این جغرافیای سیاسی خون های زیادی ریخته شد، تا آزادی و استقلال در کشور اعاده گردد

کرده بود. محورهای قدرت میان خلق و پرچم تقسیم گردیده بود. مشاوران خلقی و پرچمی از همدیگر متفاوت بودند. در هر ریاست و وزارت چندین مشاور روسی حضور داشت. همچنان در هر مکتب، لیسه، ریاست، دانشکده و وزارت اتاقی به نام دوستی شوروی ـ افغان بنا نهاده شد که در این اتاق ها، تصاویری از رهبران حزب کمونیست شوروی نصب گردیده بود و منسوبان همان ریاست و وزارت ویا ادارهٔ مربوط مکلفیت داشتند تا این اشخاص را بشناسند و کارمندان آن اداره ماهانه اعانه می پرداختند. اصطلاح رفیق که به اعضای حزب دموکراتیک اطلاق می گردید، بعد از حادثهٔ سوم حوت در افغانستان رواج بیشتر یافت و حزب دموکراتیک شعار می داد که امپریالیزم امریکا نمی گذارد که یک جامعهٔ فاقد از استثمار فرد از فرد در کشور ایجاد شود.

بعد از این حوادث در ادبیات کمونیزم جنگی یک پیشرفت چشمگیر به میان آمد. عناصر انقلاب، باندهای مسلح، امپریالیزم، باندتیزم، امپریالیزم مطبوعاتی وغیره در حوزهٔ این ادبیات شامل گردید. رهبران حزب دموکراتیک بعد از حادثهٔ سوم حوت برخورد دوگانه با مردم داشتند. وقتی در برابر مردم حاضر می شدند، همین قدر می گفتند که به اسلام احترام دارند و در حضورمحافل و جلسات سازمان های اولیه و حزبی، سرود انترناسیونال نواخته می شد.

قیام سوم حوت به قیام های مسلحانه در افغانستان شتاب بیشتر بخشید، قبل از اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی حرکات مسلحانهٔ آزادیخواهان، رژیم را به زانو در آورده بود و هر روز احتمال سقوط نظام وجود داشت، حرکات قطعات بالاحصار و فرقهٔ قرغه، نظام را در سراشیبی قرار داده بود و اتحاد شوروی وقت با این اشغال نظامی اش، نظام را از سقوط حتمی نجات داد. جهاد و مقاومت بعد از حادثهٔ سوم حوت وارد مرحلهٔ حیات نوین خویش گردید، شیوه های مبارزه و مقاومت تغییر یافت و مقاومت به این نتیجه رسید که نمی توان با تظاهرات و اعتصابات کاری را از پیش ببرد.

در نتیجهٔ این قیام فاصلهٔ نظام و مردم بیشتر گردید. در هر قریه و ولسوالی جبهات منظم به وجود آمد، تنظیم های مختلف جهادی در خارج از مرز افغانستان شکل گرفت و هر جبهه در داخل کشور به یکی از تنظیم ها پیوند داشت و از آن طریق تغذیه می گردید و برای حیات رزمی خویش از آن سر چشمه ها سیراب می گردید.

همه تنظیم های جهادی یک شعار را تکرار می نمودند و آن آزادی افغانستان و خروج بلا قید وشرط نیروهای بیگانه از کشور را تشکیل می داد. در این شکی وجود ندارد که قیام سوم حوت برای مردم افغانستان آگاهی بخشید و میثاق مردم را با جهادگران نشان داد این خون ها که در سوم حوت ریخته شد، پیام روشن داشت و آن ادامهٔ مقاومت تا خروج نیروهای خارجی و بازگشت ارزش های ملی و دینی در کشور بود که بر سر این عقیده، در این جغرافیای سیاسی خون های زیادی ریخته شد، تا آزادی و استقلال در کشور اعاده گردد.

در رابطه با اهانت وقیحانهء نشریهء دنمارکی وبرخی از نشرات غربی به رهبر بزرگ انسانیت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم

توهین به آفتاب

عبدالاحد تارشی - آلمان

ای آسمان به رفعت تو خنده گرزند
گودالی از تبار دنائت زنسل گور
نالان نمی شوی؟!
از خشم، از غضب
غران نمی شوی؟!
***
ای آفتاب گر به حقارت کند نظر
خفاش سوی تو
پندارد اینکه تیره وتاراست روی تو
خندد به حسن توبه جمال نکوی تو
آیا زقهر، آتش سوزان نمی شوی؟!
***
ای بحر اگر ترا
مردابی از سلاله، نا پاکی و رسوب
گندابی از عیوب
آماج طعنه های ذلیلانه اش کند
آیا زفرط غصه خروشان نمی شوی؟!
امواج کوه پیکر توفان نمی شوی؟!
***
ای نوبهار اگر به لباس بهشتیت
تهمت زند خزان
بر جبهه، تومهراهانت زند خزان
افسرده همچو گلشن پژمان نمی شوی؟!
صحرا صحرا خار مغیلان نمی شوی؟!
***
ای کوه اگر خسی
بر قله های سر به سپهرت زند نهیب
پندارد ت سراب
پندارد ت فریب
آتش فشان شعله به دامان نمی شوی؟!
***
ای هستی ای عطیهء خلاق بی مثال
ای دشمن عدم
ای دشمن زوال
گرمرگ بر تو تهمت ویرانگری زند
بشماردت سکون
بشماردت جمود
با او زخشم دست و گریبان نمی شوی؟
***
اینک ای آسمان
اینک ای آفتاب
ای بحر بیکرانه و ای سرکشیده کوه
ای کهکشان و ماه
ای هرچه روشنیست
در بیکرانه های افق، در دل سحر
ای هرکجاست رفعت وزیبایی وشکوه
اینک نگه کنید
خفاش های کور
کزدیدن حقیقت خورشید عاجزاند
ازقعرچاه تیرگی و کفر وشیطنت
کانرا نموده حفر
ابلیس در کویر دماغ پلیدشان
دشنام ها به مهر جهانتاب می دهند
صد نسبت پلید به مهتاب می دهند
وانگه که سوی ژرف ترین نقطهء سقوط
درحفره، جهنم افکارشوم خویش
پرواز می کنند
آنجا ز فرط ظلمت دنیای خویشتن
اوج وقاحت وشک وتردید می شوند
بی هیچ شرم منکر خورشید می شوند
***
اینک نگه کنید
برآسمان رفعت وبرقلهء عروج
ژرفای خاکدان دنائت برد هجوم
شیطان صفت شریر
ابلیس گونه کینه ور و مفسد ولجوج
***
اینک خسی زجنس تعصب کند گمان
خودرا برنده تیشهء توهین واحتقار

برفرق کوهسار
***
یک گرد باد کز پف ابلیس شد بلند
دردشت خارپرور اندیشهء صلیب
پندارد اینکه کوه رسالت کند زجا
پندارد اینکه شمع نبوت کند خموش
***
سردار من پیمبر من آفتاب من
آنکه که آدمی
دردشت تشنه کامیی از نوع تیرگی
درگیر مرگ بود
تو آمدی چو آمدن سیل روشنی
توآمدی چو آمدن آبشار صبح
صد جام آفتاب پر از نور ایزدی
در کام تشنگان
دستان مهر گستر و روشنگر تو ریخت
بنیاد صد حصار شب اندود گرد عقل
از جلوه، جمال رخ انور تو ریخت
***
سردار من پیمبر من نوبهار من
آندم که در کویرضمیر بشر نداشت
رویش گلی به دامن پر خار خویشتن
یک سبزه را نبود
جایی برای رستن واظهار خویشتن
***
توآمدی چو آمدن دشت دشت گل
توآمدی چو آمدن باغ باغ عطر
دستان تو نوازش سبز بهار را
درآن کویربی گل وباغ وبهار کشت
برچید خار را
افشاند بذرصد چمن و لاله زار کشت
***
سردار من پیمبر من آفتاب من
سهو مرا ببخش
گرآفتاب را
نسبت دهم به خاک قدوم مبارکت
ریزد هزار سجده، شکرانه از سرور
در دامن فلک
زانگونه سجده یی که بنازد به آن ملک
***
سردار من پیمبر من نو بهار من
سهو مرا ببخش
گر نوبهار را
گلچین بوستان جمال تو بشمرم
برگلشن بهشت فروشد هزار فخر
هرسبزه اش بخویش ببالد هزار بار
***
سردار من پیمبر من پیشوای من
ای اوج آدمیت وای چرخ مردمی
ای صد سحر طلیعه، خورشید، روی تو
گر چون سپیده از افق رحمت خدای

ظاهرنمی شدی
دنیا بجز دیار شب وشبروان نبود
دزدان عقل و حریت و عزت وشرف
بودند بی شمار ویکی پاسبان نبود
انسان که بود گمشده از خویش سالها
درازدحام جهل
در حملهء جنون
می جست خویش را
در کوچه های سرخ زخون ستمکشان
در وسعت هلاکت ودربیکران مرگ
دراوجنای وسوسه در ژرفنای کفر
تا دور دستها مگر ازوی نشان نبود
***
توآمدی هویت انسان ظهور کرد
این آفتاب خاست
از زیر خاک ودر همه جا پخش نور کرد
توآمدی وکوه غرور ستمگران
دشت فروتنی شد وصحرای انکسار
توآمدی وبرده، در بند بینوا
افشاند گرد وخاک مذلت زروی خویش
توآمدی ودست شیاطین ظلم را
انسانیت ندید دگر در گلوی خویش
***
سردار من پیمبر من شهریار من
اینک درین زمانه که سوداگران مرگ
برسرنوشت عالم و آدم مسلط اند
اندیشهء اسارت وافکار بردگی
بادشنه های غرقه بخون ستم کشان
در لوح باور بشری نقش می شود
اینک درین زمانه که ایمان به تیرگی
درشکل یک تقدس بی هیچ قیل وقال
بادست شب نویس ترین دشمنان نور
برهرسپیده، سحری نقش می شود
***
اینک درین زمانه که مفهوم روشنی
از دیدگاه کور دلان سیه نگر
در نیمه شب درخشش دندان گرگ هاست
اینک درین زمانه که معنای ارتقا
درفکر انحطاطی دیوانگان جنس
قبری برای عفت واخلاق آدمی است
درسینه، جهنم داغ برهنگی
اینک درین زمانه که آزادی بیان
درعقل های غوطه ور اندر خم شراب
در مغز های پوچ
گندیده از عفونت اندیشه های شوم
توهین به انبیاست
***
اینک درین زمان که لئیمان دیوخوی
با زهر نیش اژدر خبث درون خویش
دررگ رگ قلم
خون تقدس قسم کردگار را
مسموم می کنند
اسمای زشت خویش
بر لوح پایدار ترین لعنت غلیظ
درمعبرزمان
مرقوم می کنند
***
آری درین زمان
سردار من پیمبرمن آفتاب من
انسان دوباره گم شده از چشم خویشتن
بار دیگر هویت خودرا نموده گم
زانرو سگان کوچهء ابلیس بانگ ها
بر ماه می زنند
می افگنند آب دهان پلید خویش
بر چشمهء حیات
زانرو ددان وادی حیوانیت نهند
نام ترا ز فرط وقاحت بزیر سم
***
سردار من پیمبر من پیشوای من
ای چشمهء حیات
ای افتاب حق
ای معنی کمال نموی درخت نور
در باغ کائنات
ای اوج آدمیت وای چرخ مردمی
ای رهبر بزرگ
ای قائد نجات
اینک بحیث خاک قدمهای اقدست
چون خاکروب درگهء پاک ومقدست
این بیت را زگلشن شعر سخنوری
اهدای بارگاه رفیع تو می کنم
تا پاسخی بود
برعوعو و نهیق رذیلانهء خصوم
بررسم های شوم
بردستهای درخور تبت یدای عصر
برمجرمان بولهبی سیرت حقیر
برحملهء صلیبی شیطانی وشریر:
***
"مهتاب که نور پاک دارد"
"از بانگ سگان چه باک دارد"

تماشای تلویزیون بر نیروی ادراکی کودکان زیان آور است

برگرفته از اینترنت ترجمهٔ محمود قاریزاده



گاهی بسیاری از مادران از علاقه مندی کودکان شان به تلویزیون خرسند می شوند و حتی بر این که کودکش فلان بازیگر و خواننده را می شناسد. بگذریم از این که تقلید کودک از بازیگران فیلم و خوانندگان چقدر شگفت انگیز و خوشحال کننده برای مادران و پدران است که کودک شان از رسانه ها و کانال های مسؤولیت ناشناس و ترویج دهندگان فرهنگ غربی اثر پذیرفته است.

بنا بر چنین پیامدهایی، می خواهم فرآوردهای تحقیقات انجام شده پیرامون اثرات تماشای تلویزیون بر کودکان را به ملاحظهٔ پدران و مادران بزرگوار برسانم و در ضمن راهکارهای جلوگیری از اعتیاد کودکان به تلویزیون را که چونان کوهی سد راه رشد ذکاوت آنان گردیده است، بیان کنم.

خو گرفتن به خشونت

محققان می گویند: سنین سه الی هفت سالگی از مهم ترین عرصهٔ رشد کودکان به شمار می رود. از همین رو، به هر پیمانه یی که کودکان به تلویزیون علاقه مند گردند به همان اندازه ذکاوت خویش را از دست خواهند داد چنانچه یک نهاد روان شناسی امریکایی در سال ۱۹۰۰ به این نتیجهٔ مهم دست یافت که دیدن صحنه های خشونت بار فیلم، بر روان کودک اثر بالمثل می گذارد، همین گونه بی مورد نیست که می گویند هدف اساسی بسیاری از بازی های خشونت آمیز (Game) در کمپیوتر کودکان اند.

لازم به یاد آوری است، همان گونه که بازی های سرگرم کننده بر نموی جسمی کودک مؤثر است بازداشتن شان از آن نیز زیان آور است. به همین اساس مشاهدهٔ تلویزیون مانع بزرگی در راه مشغول شدن کودک به بازی محسوب می شود و در چنین حالتی کودک یک جسم نا متحرک، خواب آلود و به ویژه موجودی فربه و ناتوان به بار می آید به همین خاطر است که اکادمی پزشکی کودکان در امریکا در سال ۱۹۹۹ برای جلوگیری از این مسأله به عدم تلویزیون بینی کودکان زیر سنین ۷ سال توصیه کرده است.

> **تلویزیون وسیله یی است که بر کودک تأثیر منفی می گذارد؛ زیرا تلویزیون توان مندی جسمی و روانی کودک را کاهش می دهد**

همچنان دکتر سپوک متخصص تربیت کودکان نویسندهٔ کتاب "العنایه بالطفل و الرضیع" (توجه به کودک و شیرخوار) در این کتاب چنین می نویسد: "بدون شک تلویزیون وسیله یی است که بر کودک تأثیر منفی می گذارد؛ زیرا تلویزیون توان مندی جسمی و روانی کودک را کاهش می دهد. بناءً از نظرمن نداشتن تلویزیون راهکاری منطقی در راستای زودن این نا توانی است."

همین گونه دکتر سهیر نویسندهٔ کتاب "مخاطر التلفزیون علی مخ الطفل" (زیان های تلویزیون بر مغز کودک) در این کتاب چنین نوشته است: "مهم ترین توصیه یی که باید بدان توجه کرد، این است که کودکان در سنین ۲ سالگی هرگز تلویزیون تماشا نکنند؛ زیرا آنان در این سنین باید حرف زدن را بیاموزند، همچنان این مرحله سرآغاز تشخیص دهی دست راست و چپ، خوب و بد و... محسوب می شود و این مأمول را می توانند هنگام بازی کردن بهتر و خوب تر به دست بیاورند. بنابر این مادران و پدران بزرگوار کودکان شان را نگذارند که در این سنین به تماشای تلویزیون مشغول گردند. ولی درمورد کودکانی که در میان سنین ۶-۷ سال به سر می برند باید تأکید گردد که بیشتر از ۱-۲ ساعت در روز به تماشای تلویزیون و بازی های کمپیوتر و ویدیویی (Videogames) مشغول نگردند."

این نویسنده در توجیه گفته هایش می گوید: "تلویزیون بر جریان های اساسی یی که کودک در آن باید درمیان سنین ۲ تا ۷ سالگی رشد کند اثر منفی می گذارد؛ مثلاً کودک باید بداند که او یک موجود مستقل است نسبت به کسانی که همراه با وی در اجتماع به سر می برند. لذا او باید در مورد برقراری روابط با افراد خانواده اش و دیگران بکوشد و نیز این مرحله در ساختار جملات، عبارات و تعبیرهای لفظی کودک بسیار حساس است از همین رو تعبیر لفظی از ویژگی های مهم این مرحله محسوب می شود که متأسفانه تلویزیون در راستای رشد دهی مهارت های لفظی و بیان تعبیرهای کودک هیچ گونه نقش مؤثری را ایفا نمی کند."

اما اگر کودک با فریاد و لجاجت به تماشای تلویزیون اصرار ورزد، در این صورت مادران و پدران با کودک شان چگونه برخورد کنند؟ دکتر دفراوی می گوید: "مادر باید با بسیار نرمی و آهستگی با کودکش برخورد کند و از او خواهش کند که فریاد نکشد و حرف های مادرش را بشنود. سپس با قاطعیت بگوید که تماشای تلویزیون برای کودکانی مانند او زیان آور است.

درمان اعتیاد

پس چگونه خانواده ها می توانند جلو کودک شان را از تماشای بی رویهٔ تلویزیون بگیرند؟ در پاسخ باید گفت که این مرحله، مرحله یی بسیار دشوار است چون کودکی که به تماشای مفرط تلویزیون معتاد شده باشد در صورت عدم دسترسی به آن، احساس خستگی و ناراحتی می کند پس در این صورت مادر باید برای کودک خویش بگوید که این مرحلهٔ دشوار زود گذر است و او باید شکیبا باشد. یقیناً در چنین حالتی است که مادر می تواند کودک خویش را از چنگال تلویزیون رهایی بخشد و برای او تربیت نیک و آیندهٔ درخشان را ضمانت نماید.

در آخر از یادمان نرود که در مرحلهٔ بازداشتن کودک از تلویزیون، او باید غالباً به بازی هایی مشغول شود که در رشد و نموی حواس و اعضای او مؤثر واقع گردد. چون بازی های سرگرم کننده و ورزش اعضا و حواس کودک را رشد می دهد و پدران نیز روزانه ۱۰ تا ۱۵ دقیقه کودکان شان را به خواندن کتاب عادت دهند. اگر بالفرض کودک در تماشای تلویزیون تا ۱۳ سالگی به گونهٔ مفرط معتاد شود بی تردید که او فرصتی بس بزرگ را در رشد دهی فکر و حواس و اعضای خویش از دست داده است.

اسلام و آسیب های اجتماعی

عبدالله فرزاد

قسمت دوم و پایانی

موضوع مورد بحث آسیب ها و بیماری های اجتماعی است که در شمارهٔ گذشته چندتای آن را بر شمردیم. در این شماره دنبالهٔ بحث را با ارایهٔ مطالبی در مورد ورود بی اجازه به خانه های مردم و افتخار به قوم و نژاد، پی می گیریم.

– داخل شدن به حریم انسان ها و خانه های مردم بدون اجازهٔ صاحب خانه، یکی دیگر از بیماری های ناپسندیدهٔ اجتماعی است که متأسفانه در بسیاری از کشورها مخصوصاً در افغانستان به پدیده یی همه گیر تبدیل شده و در ژرفای جامعه ریشه دوانده است.

زمانی که انسان وارد خانه و حریم شخصی خود می شود ممکن است به خواب برود، به کارهای شخصی خود بپردازد و یا با همسر خود خلوت گزیده باشد. در این حال ورود هرکسی ولو نزدیک ترین دوستان، برای او انزجار برانگیز و ناراحت کننده است و احتمالاً این ورود بدون اجازه به افشای اسراری بینجامد که باید پوشیده نگهداشته می شد.

از همین رو است که خداوند متعال برای حفظ اسرار انسان ها و رعایت آزادی های فردی و جلوگیری از بدبینی های ناشی از چنین عملی، برای ما توصیه می کند که: (... **لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم، حتی تستأنسوا و تسلموا علی أهلها...**).

غیر از خانه های شخصی خودتان به خانهٔ هیچ کس دیگری، پیش از آن که اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام بدهید، داخل نشوید.

یعنی نخست دق الباب کنید و بعد سلام بدهید، آنگاه اگر صاحب خانه اجازه داد واردشوید ورنه منصرف گردید.

در جایی دیگر حضرت آفریدگار، به این مسأله صریح تر اشاره می کند و می فرماید: (**فإن لم تجدوا فیها أحداً فلاتدخلوها حتی یؤذن لکم و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو أزکی لکم**).

اگر در خانه کسی نبود، بدون اجازه داخل نشوید و اگر صاحب خانه برای تان گفت بازگردید، پس بازگردید این کار برای شما پاکیزه تر از آن است که بی موقع به حریم کسی داخل شوید.

لذا می بینیم که داخل شدن به خانه یی بدون اجازه برای هیچ کسی جایز نیست، حتی برای برادر و پسر و نزدیک ترین دوستان. و به همین خاطر است که کسی در شب هنگام به منزل و ساحت شخصی کسی بدون اجازه وارد می گردد، اگر کشته شد قصاص ندارد.

– بیماری دیگری که بسیار دست و پاگیر است و ملت های دنیا و به ویژه مردم افغانستان از بابت آن زیان های سنگینی را متحمل شده اند، مسألهٔ قوم گرایی و وابستگی های نژادی و زبانی است.

مردم افغانستان با آن که همه مسلمانند و در آموزه های دینی موضوع قوم گرایی و عصبیت به شدت رد شده است، ولی کسانی بوده اند و هستند که برای بهره برداری های سیاسی به هدایت بیرونی ها، مسایل برتری جویی های نژادی و سمتی و زبانی را درمیان مردم دامن زده اند و مردم را در آتش آن، داغدار کرده اند.

و امروز هم که کشور ما، به نظر می رسد از یک بحران دراز مدت و فاجعه بار، در حال بیرون شدن است دست هایی اند که به این مسأله توجه دارند و با آلوده کردن فضای شفافیت و صمیمیت، می خواهند به سود خود و گروه خود بهره ببرند.

در حالی که برای مردم ما به عنوان یک ملت مجاهد و معتقد به باورهای اسلامی سزاوار نیست که توجه خود را از مسائل کلان ملی و دینی به مسائل بی ارزش و ضد باورهای دینی معطوف بسازند.

مردم افغانستان باید باور داشته باشند که حمایت از جریان قوم گرا و نژاد پرست خلاف ارزش های دین و منافی مصالح کشور و بر روی هم آب ریختن به آسیاب دشمن است.

در دین و جهان شناختی ما، معیار برتری، نژاد و زبان نه که صفات و خصلت های نیکویی است که خداوند بندگان خود را به آراسته شدن بدانها فراخوانده است و در رأس تمامی آن صفات و خصلت ها تقوا و پرهیزگاری است.

چنان که قرآن با اشاره به این موضوع می فرماید: (**إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن أکرمکم عندالله أتقاکم**).

ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و آنگاه شعبه های بسیار و فرقه های مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسند، بزرگوار ترین شما نزد خدا با تقوا ترین تان است.

بنا بر این یگانه راه حل اختلافات قومی و زبانی و سمتی و... و تنها راه رسیدن به وحدت ملی و یکدلی همگانی در کشور، چنگ زدن به دین خدا و عمل کردن به آموزه های جهان بینی الهی است.

صدور دموکراسی برای ایران

ابوبکر سبزوار

خانم کاندولیزا رایس وزیر خارجهء امریکا از کنگرهء امریکا تقاضا نمود تا مبلغ هفتاد وپنج میلیون دلار را برای آنچه که وی کمک به دموکراسی در ایران خواند، در اختیار دولت امریکا بگذارد. وی گفت که این پول برای کمک به شبکه های تلویزیونی و رادیویی فارسی زبان هزینه خواهد شد تا پیام دموکراسی را به مردم ایران که به قول وی تحت فشار اند، برساند.

از چند سال به این طرف شبکه های تلویزیونی ورادیویی توسط مخالفان دولت ایران در امریکا راه اندازی شده است. این شبکه ها از طریق آنتن های ماهواره یی قابل دریافت اند و با درنظر داشت مصارف گزاف در این زمینه، می توان گفت که بدون کمک خارجی آنها نمی توانستند حتی یک ماه هم به نشرات خویش ادامه دهند. پس می توان گفت از قبل هم آنها ازچنین کمک ها بی بهره نبوده اند.

غیر از اینها که توسط ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی راه اندازی شده اند، تلویزیون صدای امریکا نیز برنامه هایی به زبان فارسی به دست نشر می سپارد که در آن از مخالفان دولت ایران دعوت می شود تا علیه دولت سخن بگویند. البته کسی حاضر نیست به صورت مجانی چنین کاری را انجام دهد و این نیز نیازمند مصارف است که باید تدارک شود.

ناگفته پیداست که هدف امریکا از حمایت از این وسایل نشراتی رسانیدن پیام خاصی به دولت ایران است که باید در برنامه های اتمی خود تجدید نظر نماید. و نیز پیامی به ملت ایران دارد و آن این که باید علیه جمهوری اسلامی اعلام مخالفت نمایند. مردم نیازمند دموکراسی اند و در ایران دموکراسی وجود ندارد. در هردو صورت، هدف وارد آوردن فشار بر جمهوری اسلامی ایران است.

دموکراسی یک نظام سیاسی است اما این نظام در هر کشوری به یکسان تطبیق نمی شود. دموکراسی انگلستان با امریکا فرق دارد و دموکراسی مستقر در فرانسه با سیستم دموکراسی هالیند کاملا متفاوت است. پس ما در جهان معاصر نه دموکراسی بلکه دموکراسی ها داریم. در ایران هم نوعی از دموکراسی مستقر است که به مردم حق داده است تا انتخاب کنند یا انتخاب شوند. اگر غربی ها به این باور باشند که انتخابات در ایران شفاف نبوده و نیست، ما افغان ها هم انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را با عدم شفافیت های بسیار، تجربه کردیم. اگر غرب به شفافیت انتخابات این قدر ارزش قایل است، پس چرا در کشور ما به اعتراضات کاندیدا های انتخابات پارلمانی توجه و عنایتی دیده نشد؟ آیا در این انتخابات کم تر از آنچه که دوستان در ایران ادعا دارند، تقلب صورت گرفت؟

بیایید مسأله را از زاویهء دیگری مورد توجه قرار دهیم. در میان کشور های اسلامی دوست امریکا، در کدام یک می توان نظام دموکراسی بهتر از ایران را سراغ گرفت؟

نکتهء بسیار عجیبی که اکنون دموکراسی طلبی غرب برای کشور های اسلامی را به چالش گرفته است مسألهء پیروزی اسلام گرایان در انتخابات کشور های مختلف اسلامی است. اگر در ایران یک شخصیت تندرو چون احمدی نژاد را مردم به کرسی ریاست جمهوری نشاندند، در فلسطین نیز مردم به حماس رأی دادند. در مصر اخوان المسلمین در انتخابات پارلمانی موفقیت چشمگیری به دست آورد. در افغانستان با وجود تبلیغات وسیع برضد مجاهدین به نام های تفنگ سالار و ناقض حقوق بشر و علی الرغم موارد متعدد از حق تلفی و تقلب، اکثریت کرسی های پارلمان را مجاهدین پر کردند. در عراق نیز پیروزی با اسلامگرایان بود.

چند سال قبل امریکا از برنامهء دموکراسی برای بیست و دو کشور اسلامی سخن می گفت اما اکنون با حیرت می بیند که مردم سالاری و دموکراسی در جهان اسلام، راه رسیدن دشمنان سیاست های امریکا را به قدرت سیاسی باز می کند. چرا چنین است؟

امریکا هرگز نمی خواست که چنین شود اما اکنون با این حقیقت خشن مواجه است. امریکا در سطح بین المللی سالانه مبالغ هنگفتی را صرف تبلیغات برای نشان دادن چهرهء خوش آیند از خویش به مسلمانان می نماید اما در این راه توفیقی نداشته است. پیامی که دیدن صحنه های دلخراش عراق و فلسطین و سایر نقاط جهان همه روزه به ذهن مسلمانان می رساند بسیار قوی تر از پیام هایی است که مثلا از طریق (رادیو فردا) به ایران فرستاده می شود. مدتها زمان لازم است تا اثر سوء اهانت به پیامبر بزرگ اسلام از طرف بعضی از رسانه های غربی، از ذهن مسلمانان زدوده شود.

امروز امریکا و غرب در دنیای رسانه ها، یکه تاز میدان نیستند. تلویزیون های عرب زبان، شب و روز به رسانیدن پیام هایی به جهانیان مشغول اند، که خبرنگاران شان از سراسر جهان مخابره می کنند. افشای این خبر که جورج بوش روی برنامه یی صحبت کرده بود که باید مرکز شبکهء تلویزیونی الجزیره در قطر با حملهء هوایی نابود گردد، در سراسر جهان اسلام و حتی حلقه های آزادیخواه در غرب مورد انتقاد شدید قرار گرفت. این کار هرچند عملی نشد اما نشان داد که ایالات متحدهء امریکا از تأثیر گذاری پیام های چنین شبکه های تلویزیونی در جهان سخت نگران است.

تبلیغات، بعد روانی هر جنگ است اما گاهی کشور های بزرگ برای انحراف اذهان مردم در داخل کشور و آماده ساختن ذهنیت اکثریت مردم برای پذیرفتن یک تغییر، از حربهء تبلیغات سود می جویند. مسألهء وجود سلاح های کشتار جمعی در عراق می تواند یک نمونه از تغییر نامشروع ذهنیت ها باشد که اکنون بار دشواری های آن را مردم امریکا و عراق هردو تحمل می کنند. در طول دوسال، مصارف جنگ در عراق برای امریکا ۴۰۰ ملیارد دلار هزینه داشته است. این پول را مردم امریکا از راه پرداخت تکس و مالیات و به قیمت پایین آمدن سطح زندگی خویش و مردم عراق با خون خود پرداختند و هنوز هم باید بپردازند.

اختصاص هفتاد وپنج میلیون دلار برای آنچه که تقویت دموکراسی در ایران خوانده شده است ما را به یاد بودجهء مقابله با مواد مخدر در افغانستان در سال های گذشته می اندازد. در آن مورد نیز فقط کاری سمبولیک صورت گرفت و مشخص نشد که آن پول های زبان بسته به جیب چه کسانی ریخته شد. آیا امریکا واقعا در ایران با هفتاد و پنج میلیون دلار می خواهد کاری انجام دهد؟

در رابطه به اختصاص این پول برای مخالفان دولت ایران که منظور از آن بی ثبات ساختن ایران است، جای یک سوال مهم باقی است. ایالات متحدهء امریکا در سال ۱۹۸۱ در کنفرانس الجزایر که به خاطر رهایی گروگان های امریکایی از ایران دایر شده بود پای قرار دادی را امضا کرد که در آن متعهد شد دیگر در امور داخلی ایران مداخله نمی کند. آیا اختصاص این پول برای تشویق مخالفان دولت ایران به معنی زیرپا نهادن آن تعهد نیست؟ پس در جهانی که زورمندانش با چنین سادگی پشت پا به تعهد می زنند، چگونه می توان انتظار صلح و امنیت و اعتماد متقابل داشت؟

پس در جهانی که زورمندانش با چنین سادگی پشت پا به تعهد می زنند، چگونه می توان انتظار صلح و امنیت و اعتماد متقابل داشت؟

رؤسا ، معاونان و منشیان کمیسیون های شورای ملی ...

تاج محمد مجاهد رئیس، میرویس یاسینی معاون و سید رحمان منشی کمیسیون مبارزه با مواد مخدر ، مسکرات و فساد اخلاقی.

سید محمد محقق رئیس، آصفه شاداب معاون و دین محمد منشی کمیسیون امور دینی ، فرهنگی، معارف و تحصیلات عالی.

دکتر کبیر رنجبر رئیس، شهلا عطا معاون و صالح میرزاد منشی کمیسیون نظارت از اجرای قانون.

امان الله پیمان رئیس، آزیتا رفعت معاون و ولی جان صبری منشی کمیسیون مصونیت حقوق و امتیازات اعضای ولسی جرگه.

نور الحق علومی رئیس، اکبر علی قاسمی معاون و عبدالهادی حامی منشی کمیسیون امور دفاع و تمامیت ارضی.

کمیسیون های مجلس سنا (مشرانو جرگه)

اسدالله ابو امان رئیس، محمد ناصر عطایی معاون و محمد کبیر مرزبان منشی کمیسیون مواصلات و مخابرات.

حاجی محمد اکبر وحدت رئیس و سید محسن آغا معاون کمیسیون مالی ، بودجه و محاسبات عمومی.

طیبه زاهدی رئیس، بلقیس کوچی معاون و سلطان جان خاکسار منشی کمیسیون رفاه عامه.

محبوبه حقوقمل رئیس، نجیبه حسینی معاون و محمد باقر شریفی منشی کمیسیون امور تقنینی.

صدیقه بلخی رئیس و سیرت منگل معاون کمیسیون جنسیت و جامعهٔ مدنی.

سید ابراهیم گیلانی رئیس، محمد حسن غازی زاده معاون و روشن الکوزی منشی کمیسیون امور اقوام و قبایل و سرحدات.

خانم حبیبی رئیس، نسرین پادشا معاون و محمد انور مرادی منشی کمیسیون محیط زیست و منابع طبیعی.

نفیسه سلطان رئیس و عبدالباقی بریالی معاون کمیسیون معلولین و معیوبین و بازماندگان شهدا.

حاجی صالح محمد رئیس، ملا سید محمد معاون و حیات الله منشی کمیسیون اموردفاعی و تمامیت ارضی.

انجینیر محمد عارف رئیس، انجینیر محمد هاشم معاون و محمد رنگین مشوانی منشی کمیسیون اموراداخلی.

کبرا مصطفوی رئیس، حاجی شهنواز خان معاون و عبدالستار منشی کمیسیون شورا های ولایتی وولسوالی ها.

محمد افضل احمدزی رئیس و محمد لایق معاون کمیسیون مصونیت وامتیازات اعضای مشرانو جرگه.

مولوی ارسلا رحمانی رئیس، نور الله معمار معاون و کبرا امان منشی کمیسیون امور مذهبی و معارف و تحصیلات عالی.

فضل کریم محمودی رئیس، حاجی محمد امان بهلول معاون و کفیل نورمحمد منشی کمیسیون اقتصاد ملی.

احمد شاه رمضان رئیس، سفر محمد کاکر معاون و محمد علم ایزدیار منشی کمیسیون روابط بین المللی.

دکتر زلمی رئیس، حاجی محمد معاون و محمد یونس شیرین آغا منشی کمیسیون سمع شکایات.

باتعیین کمیسیون ها و انتخاب رؤسا، معاونان، منشی ها و اعضای آن ها، شورای ملی کشور مراحل مقدماتی اش را طی دوماه پشت سر گذاشته است که بعد از این به تطبیق وظایف خود طبق مواد قانون اساسی افغانستان خواهد پرداخت.

دیده شود تا چه برنامه یی در اولویت های کاری این شورا که مردم افغانستان به آن چشم دوخته اند، قرار خواهد داشت.

فالنتاین چیست؟

محمود الله فیروز

۱۵ فبروری سال میلادی مصادف بود با فالنتاین (روز عاشقان) که در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از آن تجلیل به عمل آمد.

بدون شک رواج روز افزون تجلیل از فالنتاین (روز عاشقان) در ممالک اسلامی به ویژه در کشورما، یکی از روش هایی جدید و پیشرفته در راستای منحرف سازی جوانان از فرهنگ اصیل شان به شمار می رود.

در بسیاری از کشورهای اروپایی و حتی اسلامی به حد مبالغه آمیز با برگزاری محافل خوشی از این روز، همه ساله تجلیل به عمل می آید و این روز را به روز عاشقان نام گذاری کرده اند. اگر این روز را با خوشی و مسرت گرامی ندارند و یا عاشق برای معشوقش هدیه ندهد و یا نفرستد چنان می پندارد که گویا چیزی بسیار مهمی را از دست داده است. در کشورهای غربی، مردان الزاماً برای خانم یا معشوقه های شان هدیه تقدیم می کنند حتی اگر پول هم نداشته باشند. ولی خانم های کهن سالی که امیدوار به دست آوردن نامه های عشقی نیستند، خود برای خویشتن و یا سگ های شان نامه های عشقی می دهند و هدیه پیشکش می کنند!!

لازم به یاد آوری است که در سال ۲۰۰۴ میلادی ویروسی به نام (I Love u) "دوستت دارم" به شکل پستی در ایمیل ها فرستاده می شد که خسارات زیادی برای مالکان شرکت های بزرگ کامپیوتری وارد کرد. البته منظور نگارنده این نیست که پیرامون آن ویروس چیزهایی بنویسد، بل گفتنی است که غالباً عشق های مبتنی بر رواج و فرهنگ های غربی دارای چنین ویروس هایی می باشد که عاشق بیچاره تا دم مرگ نمی تواند خسارات وارده از آن را جبران کند.

تاریخچهٔ این روز

ظاهراً برگزاری محافل در این روز، گذشته از جنبه های عاطفی آن، دارای بعدهای دینی، فرهنگی و اقتصادی است. در ارتباط به بعد دینی آن، در دایره المعارف کاتولیکان آمده است که امپراتور رومی کلایدیس دوم ازدواج را بر لشکریانش قدغن کرده بود تا آنها همواره در حالت آماده باش برای جنگ باشند به همین خاطر فالنتاین به خاطر این که مخفیانه عقدهای ازدواج را درمیان لشکریان می بست در سال ۲۸۰م محکوم به اعدام شد و از همان به بعد روز مرگ او را تجلیل می کنند.

همچنان در عصر فکتوری این روز هنگامی به مناسبتی بزرگ تبدیل شد که برای اولین بار کارت های تبریکی بدین مناسبت از سوی ملکهٔ فکتوری به نشر رسید. او در این روز برای صدها تن از کسانی که با خاندان



نظام سرمایه داری در دگرگونی فرهنگ ها در جامعه های مختلف بی تأثیر نیست چون در عصری که صنعت و تولید به اوج خود رسیده است و انسان ها به یک موجود مصرف کننده تبدیل شده اند کشورها، شرکت ها و انسان های سرمایه دار مفاد خود را در آن می بینندکه مصرف زیاد گردد تا تولید افزایش یابد

شاهی ارتباط داشتند کارت فرستاد. همین گونه اولین نامهٔ عاشقانه به زبان انگلیسی بدین مناسبت در سال ۱۴۷۷م نوشته شد. فرستادن و پذیرفتن گل های سرخ همراه با نامه ها در این روز نزد "کیوبید" ـ خداوند

امروز بسیاری از جوانان فارغ التحصیل ما در پشت دروازه های مؤسسات داخلی و خارجی سرگردان کاریابی اند، چرا مشکلات آنها بازتاب داده نمی شود؟ هزاران سوال و هزاران مشکل دیگری است که بازتاب دادن آنها برای رسانه های داخلی افغانستان نسبت به نشر و پخش موسیقی و فراخواندن به سوی آن شاید اولویت داشته باشد که متأسفانه ندارد

عشق رومی ها ـ عبادت شمرده می شود.

لازم به یاد آوری است که نظام سرمایه داری در دگرگونی فرهنگ ها در جامعه های مختلف بی تأثیر نیست چون در عصری که صنعت و تولید به اوج خود رسیده است و انسان ها به یک موجود مصرف کننده تبدیل شده اند کشورها، شرکت ها و انسان های سرمایه دار مفاد خود را در آن می بینند که مصرف زیاد گردد تا تولید افزایش یابد. از همین رو کشورهای صادر کنندهٔ گل و چاکلیت و... هر سال زمینه سازی می کنند تا از چنین روزی در کشورهای مختلف تجلیل به عمل آید. البته موفق هم هستند چنانچه همهٔ دنیا شاهد است که بسیاری از جوانان در ممالک اسلامی و غیر اسلامی آگاهانه و یا ناخود آگاه در این روز پول های زیادی را جهت خریداری گل و هدایا به مصرف می رسانند که آنان در چنین روزی زیان و سرمایه داران سود می برند.

در توجیه این مسأله باید گفت که براساس تحقیقات انجام شده در کشور کولامبیا، این کشور از کشت ۵۰ نوع گل سالانه ۶۰۰ میلیون دلار مفاد می بیند که ۴۰ در صد آن در روزهای عید عاشقان و مادر به دست می آید. همچنان بر اساس یک تحقیق دیگر بریتانیایی ها در سال ۲۰۰۰م ۳۵ میلیون دلار را به مصرف رساندند.

بی تردید رسانه های جمعی مانند کشورها، شرکت ها و افراد سودجو در ترویج این فرهنگ خیلی بی دخل نیستند چنانچه اگر ما به اینترنت مراجعه کنیم می بینیم که کلمهٔ عشق (Love) بیشتر مورد استعمال قرار می گیرد و آن را عشق پیشرفته می نامند! که متأسفانه به جز فراخواندن به سوی روسپی گری هدفی دیگر ندارند.

همین گونه رسانه ها در افغانستان نیز راهی را غیر از مسیر فرهنگ اصیل و ملی شان در پیش گرفته اند که بی تردید در ترویج فرهنگ اجانب مؤثر است. مثلاً چهار شنبه گذشته که مصادف با ۲۶ دلو روز (خروج نیروهای شوروی از افغانستان) و ۱۵ فبروری (عید عاشقان) بود، برخی از رسانه ها به جای این که پیرامون چگونگی خروج نیروهای شوروی ـ که مسأله یی تاریخی و مربوط به کشورمان است ـ بحث کنند و برای نسل آینده از لابلای آن آگاهی و بیداری بدهند پیرامون روز فالنتاین با وقاحت تمام مصاحبه هایی را با افرادی انجام دادند که ایشان از ارزش تاریخ چه که حتی از ارزش فرهنگ ملی خویش بی خبر بودند.

سوال اساسی این جاست که چرا ما پیرامون چنان روزی به بحث و گفتگو بپردازیم که ریشهٔ دینی، فرهنگی و تاریخی در کشورما ندارد؟ چرا جوانان ما به جای این که به سوی تعلیم و تربیت، اخلاق، معنویت و... سوق داده شوند به سوی برنامه هایی مانند ستارهٔ افغان و تجلیل از روز فالنتاین فرا خوانده می شوند؟ امروز بسیاری از جوانان فارغ التحصیل ما در پشت دروازه های مؤسسات داخلی و خارجی سرگردان کاریابی اند، چرا مشکلات آنها بازتاب داده نمی شود؟ هزاران سوال و هزاران مشکل دیگری است که بازتاب دادن آنها برای رسانه های داخلی افغانستان نسبت به نشر و پخش موسیقی و فراخواندن به سوی آن شاید اولویت داشته باشد که متأسفانه ندارد.

بسیار سفر باید تا پخته ...

می تواند در جلب حمایت قبایل آن سوی دیورند از دولت افغانستان مؤثر باشد. اگر این سیاست کارآمد ثابت گردد و قوم گرایی را در میان اقوام سرحد تقویت نماید، امید است که اقوام آن سوی مرز خود از ورود طالبان مسلح به خاک افغانستان جلوگیری نمایند. دیدار از ولی باغ و تجلیل از خان عبدالولی خان و مطرح شدن مسأله، لغو ویزه و پاسپورت از جانب رئیس جمهور کرزی می تواند تلاشی در همین راستا تلقی گردد.

اما این سیاست به موانع و محدودیت های بسیار مواجه است. جهاد افغانستان به قوم گرایی در قبایل ضربه، شدید وارد آورد و به قدرت احزاب قوم گرا در قبایل پایان داد. به یاد بیاوریم که مرحوم خان عبدالولی خان وقتی سال ها قبل در تلاش برای رسیدن به کرسی پارلمان پاکستان از چهارسده کاندید شد، در برابر مولوی حسن جان عالم مشهور دینی از صوبه، سرحد و کاندیدای گروه های مذهبی به سختی شکست خورد. این آخرین باری بود که خان مرحوم تلاش کرد تا به پارلمان پاکستان راه یابد و از آن به بعد هیچگاه در این رقابت سهم نگرفت. خان در آن موقع در یک کنفرانس مطبوعاتی گلبدین حکمتیار را متهم کرد که با حمایت از مولوی حسن جان در شکست وی دست داشته است. این ادعا زیاد دور از حقیقت نبود. حزب اسلامی با تهیه، وسایل ترانسپورتی برای انتقال رأی دهندگان، مخفیانه با حسن جان همکاری کرد اما تفاوت میزان آرا میان دو طرف به حدی زیاد بود که این احتمال را که این حمایت، تأثیر قاطع در سرنوشت انتخابات داشته باشد، منتفی می ساخت.

بعد از یازدهم سپتامبر که مناطق قبایلی به عرصه، جولان طالبان و القاعده مبدل گردید، این

گرایش قدرت بیشتر یافت و قوم گرایی روبه ضعف رفت. اکنون احزاب مذهبی پاکستان در این مناطق از نفوذ فوق العاده برخوردار اند.

"در این جا ذکر این ضرورت بی مناسبت نیست که در کشور های دیگر از جمله پاکستان، مراکز متعدد مطالعات استراتژیک وجود دارد که در آن دانشمندان صاحب صلاحیت در مواردی حساس از این دست، به مقامات دولتی مشوره می دهند. در افغانستان فقط یک مرکز مطالعات استراتژیک در چهارچوب وزارت امور خارجه موجود است که تازه به میان آمده و نیاز به تقویت دارد و در عین حال بخش مهمی از مطالعات در رابطه با کشور پاکستان در گذشته توسط وزارت سرحدات صورت گرفته که بیشتر جنبه، اطلاعاتی و محرمانه داشته است اما در شرایط فعلی که دیگر نیازی به چنین پنهان کاری ها نیست. اکادمی علوم افغانستان نیز در این زمینه مطالعاتی انجام می دهد و باید این فعالیت ها در چهارچوب یک مرکز مشترک مطالعات استراتژیک مستقل، متحد و منسجم گردد و در سیاست گذاری های دولت، این تحقیقات مورد توجه و استناد قرار گیرد."

کرزی در این سفر تلاش کرد تا در کنار تبادل نظر با مقامات دولتی، با مردم نیز در تماس گردد. اگر این کار نه از روی تصادف بلکه واقعا ناشی از تغییر سیاست دولت افغانستان نسبت به پاکستان باشد، می توان گفت که تنها فرق این سفر با سفر های قبل در همین نکته نهفته است. در حالی که تاکنون نشان دادن حسن نیت یک جانبه از جانب آقای کرزی مشخصه، اصلی سیاست وی در رابطه با پاکستان بوده که نتیجه یی مطلوب از آن به دست نیامده است.

هنوز زود است که بتوان گفت این سیاست به پختگی خواهد رسید یا نه اما می توان گفت که کرزی پس از سفر های متعدد به پاکستان، در این سفر روش جدیدی را در محک تجربه گذاشت اما سفر های دیگری نیز لازم است. بسیار سفرباید تا پخته شود خام!!

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالیترین آرزوهای ملت

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۳۷ چهار شنبه ۳ حوت ۱۳۸۴ ۲۲ محرم الحرام ۱۴۲۶ — 22 February 2005

چهرهٔ زندگی در آیینهٔ ارقام

حق زندگی از اساسی ترین حقوق بشر بوده و دولت ها مکلف به تأمین شرایط مناسب زندگی متکی به نورم ها و معیارهای تثبیت شده، شناخته شده اند.

شور بختانه که در اثر آشوب های اجتماعی سه دههٔ اخیر و خسارات و ویرانی های ناشی از آن، مردم افغانستان از اساسی ترین حقوق خویش یعنی حق کار، صحت، مسکن و... محروم گردیدند و مردم در اثر نابودی تأسیسات عام المنفعه و کندی روند بازسازی، به آن دسترسی ندارند.

در این جا با تکیه بر آمار و ارقام نشر شده در سالنامهٔ احصائی سال ۱۳۸۲ ادارهٔ مرکزی احصائیه به دو مورد اشاره می شود:

۱- بر مبنای ارقام منتشر شده از ادارهٔ مرکزی احصائیه ۸۷ در صد نفوس کشور از دسترسی به آب شیرین که بدون آن زندگی غیر ممکن است، محروم اند. در مجموع تنها ۱۳ در صد نفوس کشور به منابع آب صحی دسترسی دارند در حالی که این رقم در کشورهای همجوار ما بیش از ۶۰ تا ۹۲ درصد نفوس آنها را شامل می گردد.

ارقام حاکی است که ۷۲ درصد مردم پاکستان، ۹۰ در صد مردم ایران، ۹۲ در صد مردم ترکمنستان، ۸۵ در صد مردم ازبیکستان و ۶۰ درصد مردم تاجیکستان به منابع آب صحی آشامیدنی دسترسی دارند.

در این لیست رقم نازل را جمهوری تاجیکستان دارد که خود مانند کشور ما درگیر جنگ ها و آشوب های داخلی بوده ولی با آن هم ۴۷ در صد مردم آن بیشتر از مردم ما از نعمت آب صحی آشامیدنی بهره مند اند.

۲- مورد میزان مرگ و میر کودکان کم تر از یک سال است که بازهم در افغانستان متأسفانه بالاترین رقم را تشکیل می دهد. میزان مرگ و میر کودکان کم تر از یک سال در افغانستان در هر هزار تولد زنده ۱۶۵ نوزاد است. یعنی از هر هزار کودکی زنده به دنیا می آید ۱۶۵ نوزاد به کام مرگ می رود.

اگر در نظر بگیریم که این رقم در کشورهای همسایه بین ۳۵ تا ۹۰ مرگ تولد زنده در هر هزار است متوجه می شویم که با یک فاجعهٔ انسانی رو به رو هستیم.

شایان ذکر است که کم ترین رقم متعلق به کشور همسایهٔ غربی ما ایران است که میزان مرگ و میر کودکان کم تر از یک سال در آن کشور ۳۵ مرگ در هر هزار تولد زنده ثبت شده است.

دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی:

نباید مردم فلسطین را به دلیل استفاده از حق شان مواخذه کرد

گروه‌های عربی- اسلامی در نشست جهان اسلام و آمریکا در دوحه مخالفت خود را با تحریم اقتصادی فلسطین اعلام کردند.

به نوشتهٔ روزنامهٔ البیان -چاپ امارات متحدهٔ عربی- گروه‌های عربی و اسلامی شرکت کننده در نشست جهان اسلام و آمریکا در دوحهٔ قطر درخصوص مخالفت با هر گونه تحریم اقتصادی علیه فلسطینیان به اجماع رسیدند.

شیخ محمد بن جاسم بن جبر آل ثانی، وزیر خارجهٔ قطر طی سخنانی در این کنفرانس تلاش هرچه بیشتر برای حل و فصل درگیری‌ها بین فلسطین و اسرائیل بر اساس قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی را خواستار شد.

وی تأکید کرد: جهان اسلام و آمریکا در رویارویی با تهدیدهای موجود در خاورمیانه منافع مشترکی دارند و تا زمانی که طرفین تلاش خود را در جهت افزایش و گسترش روابط مثبت به کار نگیرند، این تهدیدها همچنان باقی خواهند ماند.

از سوی دیگر اکمل‌الدین احسان اوغلو، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی نیز ضمن استقبال از این نشست پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین را بنا بر میل و رغبت مردم فلسطین دانست.

وی هم‌چنین بر شفافیت این انتخابات و برگزاری آن بر اساس اصول دموکراسی تأکید کرد.

اوغلو هم‌چنین مخالفت خود را با تهدیدهای واشنگتن مبنی بر تحریم اقتصادی فلسطین در صورت به قدرت رسیدن حماس اعلام کرد و افزود: نباید مردم فلسطین را به دلیل استفاده از حق دموکراتیک و مسلم‌شان مواخذه کرد.

صادق المهدی، رهبر حزب الامه و نخست وزیر پیشین سودان نیز درحاشیهٔ این نشست پیروزی احزاب و جنبش‌های اسلامی و به قدرت رسیدن آن‌ها در بسیاری از کشورها همچون ترکیه، فلسطین و مالزی را نتیجهٔ مخالفت آن‌ها با آمریکا و جلب حمایت‌های مردمی دانست.

کارن هیوز، معاون دیپلماتیک وزیر امور خارجهٔ آمریکا نیز ضمن تأکید بر ضرورت احترام به رأی و نظر مردم خاطرنشان کرد: مردم آمریکا و جهان اسلام در سراسر جهان با تهدیدهای مشترک از سوی افراد تندرو رو به رو هستند.

این کنفرانس سه روزه با هدف بررسی سیاست‌های آمریکا در جهان اسلام روابط این کشور با کشورهای اسلامی و تلاش برای ایجاد شورای روابط مشترک اسلامی و آمریکا در دوحه در حال برگزاری است.

سقوط یک هلیکوپتر امریکایی در جیبوتی

ارتش امریکا روز یکشنبه سقوط یک فروند بالگرد خود را در سواحل جیبوتی در شمال کنیا که منجر به مرگ ده نظامی این کشور شد تأیید کرد.

به گزارش آسوشیتدپرس ، علت سقوط این دو بالگرد برخورد آنها به یکدیگر در آسمان عنوان شده است.

ارتش امریکا در اواخر روز شنبه اعلام کرد دو فروند بالگرد نظامی این کشور با ۱۲ سرنشین در ساحل جیبوتی در شرق آفریقا سرنگون شده است.

بر اساس این گزارش تنها دو نفر از سرنشینان این دو بالگرد نجات یافته و سایران کشته شده اند.

بالگردهای حمل و نقل دریایی CH53 در لمونیر ، پایگاه نظامی فرانسه در جیبوتی مستقر بودند.

رهبر شاخهٔ نظامی جهاد اسلامی و شش فلسطینی دیگر به شهادت رسیدند

منابع امنیتی فلسطین گفتند: امجد محمد نایفه، رهبر شاخهٔ نظامی جنبش جهاد اسلامی در نوار غزه صبح روز دوشنبه به وسیلهٔ نظامیان صهیونیستی به شهادت رسید.

به نوشتهٔ پایگاه اینترنتی الجزیره، ارتش اشغالگر روز دو شنبه طی دو حمله به شهرهای نابلس در کرانهٔ باختری و خان یونس در جنوب نوار غزه، چهار فلسطینی دیگر را نیز به شهادت رساند.

در عین حال در حملهٔ نیروهای اسرائیلی با پشتیبانی تانک ها و نفربرها به اردوگاه بلاطه در شهر نابلس، دو کودک به شهادت رسیدند و چهارده نفر دیگر زخمی شدند.

ارتش اشغالگر صهیونیستی در این حمله، رهبر گردان های شهدای الاقصی را بازداشت کرد. از سوی دیگر، محمود عباس، در انتقاد از واکنش اسرائیل نسبت به قدرت رسیدن حماس در فلسطین گفت: آن ها انتخاب مردم هستند. نمی توان گفت که نتایج انتخابات را قبول نداریم.

وی افزود: نهاد خودگردان فلسطین به بحران مالی سختی گرفتار شده است.

سفرای انگلیس، فرانسه و آلمان در واشنگتن:

زندان گوانتانامو هر چه سریع تر باید تعطیل شود

سفرای انگلیس، فرانسه و آلمان در واشنگتن اعلام کردند که آمریکا باید هر چه سریع تر زندان گوانتانامو را تعطیل کند؛ زندانی که سفیر فرانسه آن را مایهٔ عذاب دانست.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در پی گزارش کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل که در آن تعطیلی هر چه سریع تر گوانتانامو را خواستار شده بودند، درخواست سفرای این سه کشور بر فشار بین‌المللی روی مقامات آمریکایی افزود.

ژان دیوید لوتیه، در گفتگویی که شبکهٔ سی.ان.ان با وی و سفرای آلمان و انگلیس ترتیب داده بود، تصریح کرد: گوانتانامو مایهٔ گرفتاری و عذاب است؛ بنابراین این مشکل باید به شکلی حل شود.

ولفگانگ ایچینگر، سفیر آلمان نیز به همین اندازه صریح و قاطع بود.

ایچینگر اظهار داشت: هر چه سریع‌تر گوانتانامو تعطیل شود، به نفع آمریکاست؛ نه تنها به عنوان یک قدرت سیاسی و نظامی بلکه به عنوان الگوی اخلاقی در جهان.

سردیوید نینگ، سفیر انگلیس نیز مجددا به سخنان تونی بلیر، نخست وزیر این کشور تأکید کرد که گفته بود، زندان گوانتانامو یک ناهنجاری است.

نینگ گفت: ما این را می‌فهمیم که شما افراد زیادی را از دست داده‌اید.

وی خاطرنشان ساخت: این خیلی سخت است، بین وظایف امنیتی خود به عنوان دولت و حفظ آزادی مسیر صحیح را انتخاب کنید؛ اما این کاملا مشخص است که گوانتانامو یک ناهنجاری است که باید به آن رسیدگی شود.

گوانتانامو که حدود ۵۰۰ زندانی محاکمه نشده را در خود جای داده، مورد انتقاد بین‌المللی قرار گرفته است.

در پی گزارش کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل که در آن آمده بود، برخی اعمال در گوانتانامو همانند شکنجه هستند، کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد گفت: گوانتانامو دیر یا زود باید تعطیل شود.

این درحالی است که آمریکا تعطیلی گوانتانامو را رد کرده و دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا اظهار داشت: عنان سخت در اشتباه بوده که تعطیلی گوانتانامو را خواستار شده است.